

نگاهی به برخی از جنبه‌های حقوقی روابط ایران و آمریکا



موضوع روابط ایران و آمریکا از مهم‌ترین مباحثی است که دست کم از نیم سده گذشته تأثیر ژرف و تعیین‌کننده‌ای در روند مسایل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران داشته، و در آینده نیز خواهد داشت. از این رو بررسی دقیق و دور از احساسات این روابط از اهمیت تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. در این گفتار تلاش می‌شود تا به یادآوری فشرده برخی جنبه‌های حقوقی روابط دو کشور، که تاکنون زیر فشار ملاحظات سیاسی کمتر مورد توجه بوده، پرداخته شود.

نخست، برای آشنایی با فضای حقوقی روابط دو کشور تا نیمه دوم دهه ۱۳۵۰ (دهه ۱۹۷۰ میلادی) فهرستی از همکاری‌های مبتنی بر معاهده در زمینه‌های گوناگون ارائه می‌گردد. پایان بخش این فهرست اشاره‌ای خواهد بود به توافقاتی مبتنی بر اسناد بیانیه الجزایر در سال ۱۹۸۱.

در بخش دوم این بررسی به دو نمونه از معاهدات یاد شده و تحولات اطراف آنها که نمود بیشتری در روابط دو کشور داشته‌اند اشاره می‌شود، یکی توافقاتی مربوط به وضعیت حقوقی مستشاران نظامی آمریکا در ایران و دیگری عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی سال ۱۹۵۵ که هم‌اکنون نیز در روابط دو کشور معتبر و مطرح است.

فهرست همکاری‌های معاهداتی ایران و آمریکا

مناسبات مبتنی بر معاهدات میان دو کشور زمینه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد که می‌توان آنها را در عنوان‌های کلی نظامی، کمک اقتصادی، تجارت، کشاورزی، سرمایه‌گذاری، همکاری‌های علمی، فنی، فرهنگی، و اسناد بیانیه الجزایر جای داد. پیش از ارایه عنوان‌های یاد شده که بدون ترتیب زمانی خواهد بود، و در مورد برخی از آنها توضیح کوتاهی هم می‌آید، اشاره‌ای به پیشینه روابط دو کشور لازم است.

پیشینه روابط ایران و آمریکا

روابط ایران و آمریکا از جنگ جهانی دوم وارد مرحله جدی و گسترده‌ای شد که پیشینه آن به دوران صدارت امیرکبیر باز می‌گردد. به ابتکار وی و در راستای سیاست کاهش نفوذ روس و انگلیس، در اکتبر سال ۱۸۵۱ عهدنامه دوستی و کشتیرانی با آمریکا در استامبول به امضاء رسید که ناظر بر ایجاد روابط کنسولی و بازرگانی و آزادی کشتیرانی در رودخانه‌های یکدیگر بود. اندکی پس از آن امیر برکنار شد و صدراعظم جانشین وی، میرزا آقاخان نوری به تحریک انگلیس قرار داد را فسخ نمود. در سال ۱۸۵۶ در قسطنطنیه پیمان دوستی و تجاری ایران و آمریکا به امضاء رسید که تنها ناظر به امور کنسولی و بازرگانی بود که آنهم دست‌آوردی نداشت در فوریه سال ۱۸۸۳ نمایندگی سیاسی آمریکا در ایران تأسیس شد.

دلیل اصلی برقراری روابط حمایت از میسیونرهای مذهبی آمریکایی در ایران بود. تأسیس نمایندگی سیاسی ایران در آمریکا در اکتبر سال ۱۸۸۸ صورت پذیرفت. در سال ۱۹۱۰ مجلس ایران به استخدام مستشاران مالی آمریکایی رأی داد، و در فوریه ۱۹۱۱ نحوه فعالیت هیئت مستشاری مالی مورگان شوستر را تصویب کرد. فشار روسیه و انگلستان فعالیت شوستر را بی‌اثر و ناکام ساخت. مأموریت شوستر از نظر حقوقی به دولت آمریکا ربط نمی‌یافت، ولی به عنوان نخستین موضوع مهم روابط ایران و آمریکا ثبت شد.

حمایت دولت آمریکا از پذیرش نمایندگان ایران در کنفرانس صلح ورسای در سال ۱۹۱۹، و نیز عدم تأیید قرار داد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس تأثیر مثبتی بر افکار عمومی ایرانیان نهاد. تلاش ایران در سال ۱۹۲۱ برای واگذاری امتیاز نفت شمال ایران به شرکت‌های آمریکایی با مخالفت انگلیس و شوروی ناکام ماند. در سال ۱۹۲۲ مأموریت مستشاری مالی دکتر میلیسو آغاز شد. در سال ۱۹۲۴ یکبار دیگر واگذاری امتیاز نفت شمال به آمریکائیان به نتیجه نرسید.

در ماه مه ۱۹۲۸ تبادل‌نامه‌ای در خصوص برقراری موقت روابط میان دو کشور در تهران به امضاء رسید. پیش از این در آوریل سال ۱۹۲۶ (اردیبهشت ۱۳۰۵) نیز موافقت‌نامه‌ای در خصوص لغو بهای صدور روادید غیر مهاجرتی میان دو کشور در تهران امضاء شده بود. در ماه مارس سال ۱۹۳۶ روابط دیپلماتیک دو کشور از سوی ایران قطع و در ژانویه ۱۹۳۹ دوباره برقرار گردید.

با آغاز جنگ جهانی دوم، دولت آمریکا در دسامبر سال ۱۹۴۱ رسماً وارد جنگ شد. رئیس جمهوری آمریکا در فوریه سال ۱۹۴۲ در پاسخ به تلگرام شاه ایران، موافقت‌نامه سه جانبه ژانویه ۱۹۴۲ میان ایران و انگلستان و شوروی را به گونه‌ای ضمنی تأیید و تضمین کرد.

در ژانویه سال ۱۹۴۳ ارتش آمریکا برای کمک به جبهه متفقین وارد ایران شد. ولی حضور نیروهای آمریکایی تا پایان جنگ مبتنی بر قراردادی نبود. دولت آمریکا طی کنفرانس تهران در نوامبر سال ۱۹۴۳، حفظ استقلال و یکپارچگی ایران و توسعه کمک‌های اقتصادی به ایران را در اعلامیه‌ای مطرح و مورد تأکید قرار داد.

نیروهای مسلح آمریکا در پایان جنگ سرزمین ایران را ترک گفتند، ولی همکاری نظامی با ایران که از این پس بر اساس معاهداتی استوار بود ادامه یافت. حضور و تأثیر گسترده آمریکا در امور ایران که در خلال بحران آذربایجان و حمایت سیاسی آمریکا از ایران ابعاد گسترده‌ای یافته بود اینک گام به مرحله جدیدی نهاد که مناسبات نظامی جایگاه ویژه‌ای در آن داشت.

مناسبات نظامی

در اکتبر سال ۱۹۴۲ فعالیت میسیون مستشاری نظامی آمریکا در ارتش ایران آغاز شد. قراردادی با نام "موافقتنامه مربوط به میسیون نظامی در ایران" در ماه نوامبر سال ۱۹۴۳ در تهران به امضاء رسید. البته حضور مستشاری نظامی آمریکا برای ارتش ایران با حضور نیروهای مسلح آمریکا به عنوان متفقین جنگ که به آن اشاره شد، از هم متفاوت است.

موافقتنامه مربوط به میسیون نظامی در ایران در ماه اکتبر سال ۱۹۴۷ تمدید شد. اصلاح و تمدید قرار داد یاد شده تا ماه اوت سال ۱۹۷۵ ادامه داشت و اعتبار آخرین تمدید تا ۲۱ مارس ۱۹۷۹ بود. در این فاصله موافقتنامه‌های دیگری در خصوص کمک نظامی و تجهیزات و لوازم دفاعی به ترتیب در ماه‌های آوریل سال ۱۹۵۲ و اکتبر سال ۱۹۵۷ به امضاء رسید. تفاوت کمک نظامی زمان جنگ با دوره پس از سال ۱۹۴۷، در نوع آن بود. تا آن هنگام کمک‌های نظامی آمریکا عمدتاً جنبه فنی بود، ولی پس از آن ایران توانست به تجهیزات نظامی آمریکایی نیز مجهز گردد.

در ماه مه سال ۱۹۵۰ "موافقتنامه کمک دفاعی متقابل" در واشنگتن امضاء شد. در ژوئیه سال ۱۹۵۸ "اعلامیه مربوط به پیمان بغداد" در لندن منعقد گردید. در ماه مارس سال ۱۹۵۹ "موافقتنامه دوجانبه همکاری" (تدافعی) میان دو دولت در آنکارا به امضاء رسید.

این موافقتنامه تمایل ایران برای متعهد ساختن ایالات متحده برای دفاع از ایران در برابر هرگونه تجاوز نظامی را برآورده نداشت.

در پی درخواست و با فشاری وزارت دفاع آمریکا مبنی بر روشن ساختن وضعیت حقوقی مستشاران نظامی آن کشور در ایران، از سال ۱۹۶۱ مذاکراتی میان طرفین آغاز شد که روند و حاصل آن جداگانه در بخش بعدی این نوشته بررسی خواهد شد. در ماه مه سال ۱۹۷۳ نیز موافقتنامه‌ای به نام "تبادل‌نامه مربوط به مزایا و مصونیت‌های تکنسین‌های آمریکایی در خدمت برنامه نوسازی نیروهای مسلح ایران" در تهران به امضاء رسید.

در پی دگرگونی‌های سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی، مناسبات نظامی رسمی با آمریکا خاتمه پذیرفت ولی برخی مشکلات و مسایل مربوط به آن هنوز باقی است.

کمک اقتصادی، تجارت، کشاورزی، سرمایه‌گذاری

در ماه دسامبر سال ۱۹۴۲ موافقتنامه‌ای میان آمریکا، بریتانیا و ایران ناظر بر مواد غذایی برای ایران در تهران به امضاء رسید. این موافقتنامه برای بهبود وضعیت خواربار در ایران بود که به لحاظ شرایط جنگ با مشکلاتی روبرو شده بود.

در ماه آوریل سال ۱۹۴۳ موافقتنامه تجاری (پیمان بازرگانی) میان دو دولت در واشنگتن امضاء شد. موافقتنامه یاد شده در ماه آوریل سال ۱۹۶۰ با اصلاحاتی تمدید گردید، و تجارت ایران با آمریکا در دهه ۱۹۷۰ رونق زیادی یافت.

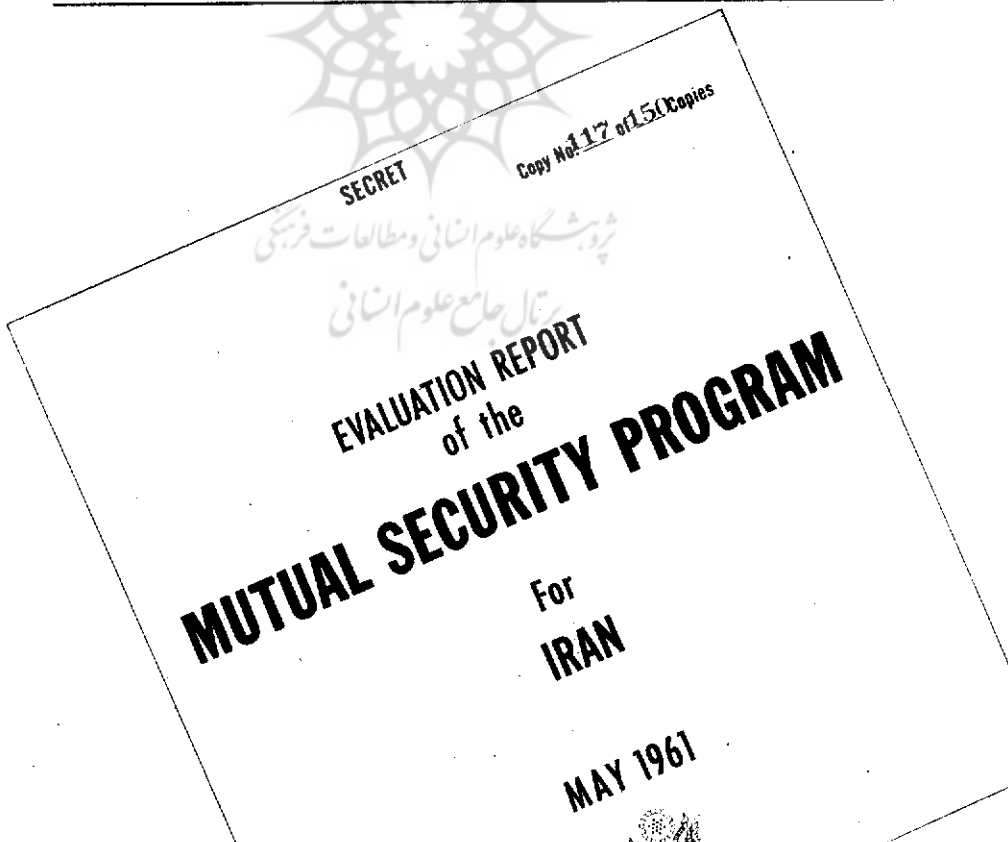
کمک اقتصادی آمریکا بر اساس برنامه اصل چهار، در ماه ژانویه سال ۱۹۵۲ بین دو دولت آغاز گردید. این توافقنامه مربوط به همکاری فنی (کمک آمریکا در زمینه‌های مختلف توسعه) بود و در تهران امضاء شد. پیش از آن در ماه اکتبر سال ۱۹۵۰ "تفاهم‌نامه مربوط به برنامه همکاری فنی در اصلاحات (عمران) روستایی در ایران"، در تهران منعقد شده بود. کمک اقتصادی آمریکا در سالهای بعد از طریق "موافقتنامه عمومی برای همکاری اقتصادی" مورخ دسامبر ۱۹۶۱ که در تهران منعقد گردید، تمدید شد. پایان پذیرفتن برنامه‌های کمک اقتصادی طولانی آمریکا به ایران در نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ راباید به عنوان یکی از مهمترین تغییرات در بخش غیر نظامی روابط میان دو کشور در نظر داشت.

در ماه فوریه سال ۱۹۵۶ "موافقتنامه مربوط به محصولات کشاورزی" در تهران امضاء شد. موافقتنامه یاد شده در سال‌های مختلف اصلاح و تمدید می‌شد، که آخرین آن در ماه دسامبر سال ۱۹۶۶ بود.

در پی تحولات سیاسی ایران در سال ۱۹۵۳ (از مرداد ۱۳۳۲)، موضوع جذب و جلب سرمایه‌های آمریکایی به ایران به گونه‌ای جدی و گسترده مطرح گردید. جذب سرمایه ایجاد وضعیت حقوقی مناسب را ضروری می‌ساخت. مذاکرات دو دولت برای فراهم آوردن ابزار حقوقی لازم از سال ۱۹۴۸ آغاز شده بود، که در ماه اوت سال ۱۹۵۵ به شکل سند "عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی" در تهران به امضاء رسید. از آنجا که ترتیبات مربوط به حل و فصل اختلافات مندرج در معاهده یاد شده در دو دهه اخیر نیز همچنان در مناسبات معاهداتی دو دولت مطرح است، آن را در بخش بعدی این نوشته اندکی دقیق‌تر می‌نگریم. همین اندازه گفته شود که اهمیت واقعی این معاهده در حمایت و تضمین سرمایه گذاری ها بود.

در همین راستا در سپتامبر سال ۱۹۵۷ موافقتنامه‌ای به شکل "تبادل نامه در خصوص تضمین سرمایه گذاری‌های خصوصی" در تهران به امضاء رسید که در ماه مارس سال ۱۹۷۰ در شکل تبادل نامه دیگری تکمیل گردید. در ماه اوت سال ۱۹۶۸ تبادل‌نامه‌ای درباره معافیت متقابل

۱۳۳۲



شرکت‌های کشتیرانی از پرداخت مالیات بر درآمد در تهران منعقد شد. اولین معاهده متوسط به هوانوردی در ماه ژانویه سال ۱۹۵۷ با نام "موافقتنامه ترابری هوایی" در تهران به امضاء رسید. در اکتبر ۱۹۶۹ نیز تبادل نامه‌ای درباره معافیت متقابل شرکتهای هواپیمایی از پرداخت مالیات بر درآمد در تهران منعقد گردید. در ماه اوت سال ۱۹۷۱ دومین موافقتنامه ترابری هوایی میان دو دولت در تهران به امضاء رسید. در فوریه سال ۱۹۷۳ موافقتنامه ترابری هوایی جدیدی منعقد گردید که امتیازات بیشتری برای ایران به همراه داشت، از جمله حقوق خدمات برنامه‌ای به آمریکا و همچنین مسیر از چندین نقطه میانی به نیویورک یا دیترویت و لوس آنجلس (برای سال ۱۹۷۵). موافقتنامه هوایی ایران و آمریکا اثرات بسیار مثبتی در مذاکراتی مشابه شرکت هواپیمایی ملی ایران با کشورهای دیگر نظیر ژاپن، هند، ایتالیا و بریتانیا در همان زمان داشت.

همکاری‌های علمی، فنی، فرهنگی

در ماه اوت سال ۱۹۴۳ موافقتنامه‌ای برای مبادله نشریات رسمی در تهران میان دو دولت به امضاء رسید. و در ماه‌های سپتامبر و اکتبر ۱۹۵۳ نیز تبادل نامه‌ای در خصوص معافیت گمرکی کالاهای اهدایی در تهران منعقد شد. در ماه سپتامبر سال ۱۹۶۲ موافقتنامه‌ای مربوط به سپاه صلح در تهران به امضاء رسید و در ماه اوت ۱۹۶۹ نیز موافقتنامه‌ای مربوط به امانات و مرسولات پستی میان اداره پست دو کشور در تهران و واشنگتن به امضاء رسید. در ماه دسامبر سال ۱۹۷۴ و ماه ژانویه سال ۱۹۷۵ به ترتیب در واشنگتن و تهران توافقنامه مربوط به فراهم آوری کاتالوگ فدرال داده‌ها و خدمات به ایران منعقد گردید. در حوزه‌ای که شاید بیشتر کاربرد نظامی و امنیتی اطلاعاتی داشت، در ماه ژوئن سال ۱۹۷۴ تبادل‌نامه‌ای در خصوص حفاظت از اطلاعات طبقه‌بندی شده در تهران امضاء شد. در ماه اکتبر سال ۱۹۷۴ و ماه ژوئیه سال ۱۹۷۵ به ترتیب در تهران و واشنگتن، تفاهم‌نامه‌ای در خصوص همکاری میان سازمان برنامه و بودجه ایران و سازمان ملی هوا و فضاوردی آمریکا (ناسا) منعقد گردید. در ماه مارس سال ۱۹۷۵ موافقتنامه همکاری فنی در واشنگتن امضاء شد. در ماه نوامبر سال ۱۹۷۵ تفاهم نامه مربوط به آمادگی وضعیت‌های اضطراری غیر نظامی، در تهران منعقد شد. در ماه دسامبر سال ۱۹۷۶ تبادل‌نامه راجع به صدور روایید کثیرالمسافره غیر مهاجرتی چهار ساله رایگان برای اتباع ایرانی و آمریکایی در تهران به امضاء رسید. در ماه مه سال ۱۹۶۸ تبادل‌نامه مربوط به برنامه همکاری علمی در تهران منعقد گردید. طبق آن راههای مختلف تقویت همکاری علمی مطرح شد و جهت اجراء وزارت علوم و آموزش عالی ایران و یکی از مؤسسات معتبر علمی در آمریکا مأمور به همکاری شدند. در ماه مارس سال ۱۹۵۷ اولین

موافقتنامه همکاری در خصوص استفاده‌های صلح‌جویانه از انرژی اتمی میان دو دولت در واشنگتن به امضاء رسید، و از ماه آوریل سال ۱۹۵۹ به اجرا درآمد. این معاهده دوبار در ماه ژوئن سال ۱۹۶۴ و ماه مارس سال ۱۹۶۹ اصلاح گردید که در آخرین اصلاح یک دوره ۲۰ ساله برای اجرای آن در نظر گرفته شد. در ماه ژوئن سال ۱۹۶۷ موافقتنامه‌ای میان ایران، کمیسیون انرژی اتمی آمریکا، و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای واگذاری اورانیوم غنی شده و پلوتونیوم لازم جهت راکتور تحقیقاتی ایران، در وین به امضاء رسید. همچنین در مارس ۱۹۶۹ موافقتنامه بین ایران و آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای انجام اقدامات تأمینی، در وین منعقد شد.

در زمینه‌ای دیگر در مارس ۱۹۶۸ موافقتنامه توسعه منابع آب در ایران به امضاء رسید. این موافقتنامه برای مطالعات مشترک دو کشور در یک دوره دوساله در مورد منابع آب ایران جهت افزایش امکانات آب مصارف کشاورزی، صنعتی و انسانی از طریق اقداماتی نظیر جلوگیری از شوری منابع آب شیرین کرانه‌های شمالی خلیج فارس و دریای عمان، بارورسازی ابرها و سایر شیوه‌ها، اختصاص یافت.

در حوزه مبادلات فرهنگی در سپتامبر ۱۹۴۹ موافقتنامه راجع به استفاده از جوهی که دولت آمریکا از فروش مازاد اموال خود در ایران بدست آورده، میان دو دولت منعقد گردید. طبق این موافقتنامه که بر اساس قانون مازاد اموال آمریکا مورخ ۱۹۴۴ موجودیت یافت و آن قانون به برنامه فولبرایت مشهور بود و در چندین کشور دیگر نیز به اجرا درآمد، وجوه یاد شده در قسمت امور فرهنگی و برای تأمین هزینه تحصیل و تحقیق و سایر امور آموزشی و پژوهشی اتباع ایران در مدارس و مؤسسات عالی فرهنگی برخی از مناطق آمریکا اختصاص می‌یافت. آن موافقتنامه با اصلاحیه‌های نوامبر ۱۹۵۷ و ژوئن ۱۹۶۱ از حالت رکود خارج شد. مبادلات فرهنگی یاد شده، با موافقتنامه اکتبر ۱۹۶۳ درباره تأمین هزینه‌های برخی از مبادلات فرهنگی، بر بنیان استوارتری قرار گرفت.

داوری ارزشی در مورد مجموعه مناسبات معاهداتی ایران و ایالات متحده، و اینکه همکاری در هر زمینه به چه نتایجی انجامیده مورد نظر این نوشته نیست. همین اندازه یادآور می‌گردد که وجود چنین روابطی در حوزه‌های بسیار متنوع و در ابعادی گسترده حتی در زمینه‌های نظامی و تسهیلاتی میان هر دو کشوری، در صورتی که بر بنیان منصفانه و شفاف و همراه با احترام متقابل به استقلال و حاکمیت و منافع ملی طرفین بوده باشد، می‌توانست دستاوردهای مفید و سازنده‌ای داشته باشد.

به هر حال این روابط از دو دهه گذشته و در پی تحولات حاصل از انقلاب اسلامی دستخوش تنش و آشفتگی است. بخشی از منازعات یاد شده در شکل اختلافات مالی و حقوقی جلوه گر شد که

اشخاص حقیقی و حقوقی آمریکایی علیه ایران طرح کردند. منازعات مالی و حقوقی با مسایل مربوط به بحران گروگان‌گیری کارکنان سفارت آمریکا در تهران در آمیخت، و مناسبات معاهداتی دو کشور در مسیر چگونگی حل و فصل آنها فرار گرفت، که در اینجا به اسناد مربوط با آنها اشاره می‌شود.

اسناد بیانیه الجزایر

پس از تصرف سفارت آمریکا و گروگان‌گیری کارکنان آن در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (۴ نوامبر ۱۹۷۹)، رهبر انقلاب حل و فصل مسأله را در ۴ اسفند ۱۳۵۸ به مجلس شورای اسلامی ارجاع نمود. مجلس در ۱۳۵۹/۸/۱۱ (۲ نوامبر ۱۹۸۰) شرایط چهار گانه‌ای را برای حل و فصل تصویب نمود. شرایط یاد شده بطور فشرده عبارت بود از: تعهد آمریکا مبنی بر عدم مداخله در امور ایران، رفع توقیف سرمایه‌ها و اموال و دارایی‌های ایران در آمریکا، لغو و ابطال تصمیمات و اقدامات اقتصادی و مالی آمریکا علیه ایران، به رسمیت شناختن و نافذ دانستن اقدام دولت ایران مبنی بر مصادره اموال و دارایی خانواده شاه پیشین.

مصوبه یاد شده بدون ارجاع و جلب نظر شورای نگهبان به مذاکره دولت ایران با دولت آمریکا از طریق دولت الجزایر به عنوان میانجی انجامید. پس از تصویب ماده واحده "لایحه قانونی راجع به حل و فصل اختلافات مالی و حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران با دولت آمریکا" توسط مجلس شورای اسلامی در ۱۳۵۹/۱۰/۲۵ (۱۶ ژانویه ۱۹۸۱)، بیانیه‌ها و اسناد تعهدات دولتهای ایران و آمریکا در ۱۳۵۹/۱۰/۲۹ (۱۹ ژانویه ۱۹۸۱) امضاء و از همان تاریخ لازم الاجرا گردید. این‌ها عبارتند از:

"بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر (بیانیه عمومی)"، شامل چهار ماده و ۱۷ بند در اصول کلی تعهدات طرفینی ایران و آمریکا در موضوعات عدم مداخله در امور ایران، گرداندن دارایی‌های ایران و حل و فصل دعاوی آمریکا، بازگرداندن دارایی‌های خانواده شاه پیشین.

"بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر (بیانیه حل و فصل دعاوی)"، درباره حل و فصل ادعاها توسط دولت آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران شامل ۸ ماده در موضوع تشکیل هیئت داور برای اتخاذ تصمیم در دعاوی اتباع طرفین نسبت به یکدیگر در قرار دادها، معاملات، دیون، ضبط اموال و هراقدام مؤثر در مالکیت، و ادعاهای رسمی دو دولت علیه یکدیگر ناشی از قراردادهای دولتی.

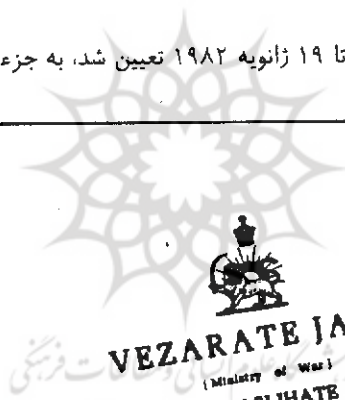
به این بیانیه ها یک سند تعهدات، با نام "تعهدات دولت آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد بیانیه"، برای تعیین روش اجرای برخی از تعهدات مالی طرفین پیوست است. در ۲۰ ژانویه سال ۱۹۸۱ نیز اسناد دوگانه‌ای، یکی به نام "موافقتنامه امانی" و دیگری "ترتیبات فنی" میان بانک های طرفین و بانک های عامل برای امور فنی و بانکی مربوطه در حل و فصل دعاوی منعقد گردید. همچنین در ۱۷ اوت سال ۱۹۸۱ دو "موافقتنامه فنی" دیگر میان بانک های طرفین و بانک های عامل امضاء شد.

چند سال پس از آغاز رسیدگی به دعاوی در دیوان داوری، طرفین ایران و آمریکا به منظور صرفه جویی در وقت و هزینه رسیدگی به دعاوی کوچک (دعاوی کمتر از ۲۵۰ هزار دلار) باقی مانده که بیش از ۲۳۰۰ دعاوی ثبت شده در دیوان و ۴۰۰ دعاوی ثبت نشده را در برمی گرفت، در ۱۳ ماه مه سال ۱۹۹۰ موافقتنامه‌ای منعقد ساختند که طبق آن با پرداخت مبلغ ۱۰۵ میلیون دلار به آمریکا دعاوی یاد شده بطور یکجا حل و فصل گردید. به نقل از اسناد آمریکایی در سال ۱۹۹۱، تعداد ۱۰۸ دعاوی کوچک ایران موضوع موافقتنامه جداگانه‌ای بوده که تا آن هنگام به امضاء نرسیده بود.

مهلت دعوی نزد دیوان ۱۶ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۲ تعیین شد، به جزء دعاوی دولتی طرفین

۱۱۱
مهره

سری



VEZARATE JANG
(Ministry of War)

SAZEMANE TASHLIMATE ARTESH
(Army Armament Organization)

BALTSANATABAD, TEHRAN, IRAN

Telephones : 881378-1
Telegrams : TABLIHA
Your Ref. :
Our Ref. :
Date :

CONTRACT

Between
**The Director, Military Industries Organisation,
Saltanatabad**
Lieutenant-General H. Toufanian
(hereinafter referred to as the "First Party")

and
**The Representative of the Hager Co. Ltd.,
3, Takht Jamshid Avenue, Tehran**
Colonel J. Nimrodi
(hereinafter referred to as the "Second Party")

Art.1
The First Party hereby purchases and the Second Party
sells the items listed under Article 2 hereunder:
Items, Quantities & Prices:

	Unit Price
	US\$ COP
shovel attachment	1.30
	1.29
	2.44

علیه بکدیگر که در هر زمانی در دیوان قابل طرح است. تعداد دعاوی مطرح شده نزدیک به ۴۰۰۰ فقره بوده که بخش عمده آنها از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی و دولت آمریکا علیه ایران اقامه شده بود. از این تعداد بیش از ۳۹۰۰ فقره مختومه گردیده است.

تا امروز کار دیوان داوری هنوز ادامه دارد و بیش از ۳۰ فقره پرونده، ازجمله در مورد اموال نظامی متعلق به ایران در آمریکا که از سوی وزارت دفاع ایران طرح دعوی گردیده، در مرحله رسیدگی است.

سخن در مورد چند و چون اسناد بیانیه الجزایر و عملکرد دیوان داوری بسیار است. در اینجا نیز قصد داوری ارزشی در میان نمی‌باشد، زیرا نه در محدوده مورد نظر این نوشتار می‌گنجد، و نه ورود در نکته‌های فراوان حقوقی و فنی پیچیده در دعاوی مطروحه در صلاحیت نگارنده می‌باشد. ولی شاید بتوان گفت که اسناد بیانیه الجزایر، شکل حقوقی تصمیماتی صرفاً سیاسی بود برای خارج ساختن ایران از بحرانی که خود در ایجاد آن نقشی اساسی داشت. البته بحران با قضیه سفارت آغاز نشده بود، ولی گروگان‌گیری فراز آن را به نمایش در آورد.

در پی تحولات سیاسی منجر به برقراری جمهوری اسلامی در ایران، کلیه روابط اقتصادی و تجاری گسترده و قراردادهای گوناگون بین دستگاه‌های دولتی ایران و شرکت‌های آمریکایی به حال تعطیل و تعلیق در آمد. اجرای قراردادها و انجام کلیه طرح‌ها متوقف و رها شد. بروز دعاوی و اختلافات مالی و حقوقی قابل پیش‌بینی بود، و در حقیقت تعداد زیادی دعوی علیه ایران در محاکم آمریکایی مطرح گردید که سپس طبق توافق‌های الجزایر به دیوان داوری سپرده شد. این در حالی بود که در بیشتر قراردادهای ایران و آمریکا، صلاحیت محاکم ایرانی برای رسیدگی به اختلافات و دعاوی تصریح شده بود، نکته مهمی که در دیوان داوری هم نادیده گرفته شد، زیرا به دلیل توافق‌های الجزایر آن ترتیبات بلااعتبار تلقی می‌شد.

تعدادی دعاوی نیز که از نظر حجم و میزان خواسته بسیار مهم بود، و همراه با دعاوی یاد شده مجموعاً سربه میلیاردها دلار می‌زد مطرح گردید، که در مورد دعاوی و دیون بانکی، وام‌های سندیکایی، و دعاوی ناشی از اقدام جمهوری اسلامی در ملی کردن بانک‌ها، بیمه، صنایع، قراردادهای نفتی و اقداماتی نظیر مصادره و سلب مالکیت بود. این موارد نیز در محاکم آمریکایی مطرح می‌گردید.

موارد یاد شده ناشی از تصمیمات شورای انقلاب در قانون ملی شدن بانکها (خرداد ۱۳۵۸)، قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران (خرداد ۱۳۵۸)، قانون ملی کردن صنعت بیمه و مؤسسات اعتباری (آبان ۱۳۵۸)، و قانون تشکیل کمیسیون ویژه در مورد قراردادهای نفتی (دی ۱۳۵۸) بود.

این تصمیمات همراه با سایر اقدامات انقلابی، صرفنظر از آسیب‌های ساختاری بر بیکر اقتصاد و صنایع ایران، که اثرات آنها هم اکنون گریبان اقتصاد و صنعت ایران را در خود گرفته، نظام سرمایه‌داری آمریکا را با همه ابزار و لوازم حقوقی خود به واکنش برانگیخت.

گروگان‌گیری آمریکاییان واکنش را شدیدتر و دامنه فشار حقوقی و سیاسی بر ایران را گسترده‌تر ساخت. ده روز پس از حادثه سفارت، رئیس جمهوری آمریکا در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ در اقدامی قابل پیش‌بینی با اعلام حالت فوق العاده در روابط آمریکا با ایران، دستورانسداد اموال و دارایی‌های ایران در آمریکا را که بر بالغ بر میلیاردها دلار می‌گردد، صادر نمود. این اقدام کمک می‌کرد تا مدعیان آمریکایی مطالبات و خواسته‌های خود را از محل این دارایی‌ها تهاتر نمایند، و بر تعداد دعاوی علیه ایران نیز افزوده شود. به غیر از این‌ها، تحریم اقتصادی، محکومیت و انزوای بین‌المللی، جنگ با عراق، و شرایط پرتنش سود جستن از بحران در جنگ قدرت داخلی، ایران را هر چه بیشتر در وضعیت دشوارتری قرار می‌داد.

هنوز به‌طور دقیق و کامل روشن نیست که مذاکرات الجزایر چگونه به تنظیم و امضای اسناد بیانیه انجامید، و در نهایت رقم و میزان دقیق میلیاردها دلار اموال و دارایی‌های ایران در آمریکا چقدر بوده و چه بر سر آنها آمده است.

این نگاه گذرا به اهم موارد مطرح شده در روابط حقوقی ایران و آمریکا را با نگاهی دقیق‌تر به دو مورد از این رشته موارد می‌توان به پایان برد. یکی بحث مصونیت مستشاران نظامی آمریکایی است که از نظر پیشینه تاریخی این مناسبات از اهمیت در خور توجهی برخوردار است و دیگری نیز موضوع اعتبار عهد نامه مودت ایران و آمریکا از لحاظ تأثیر احتمالی آن بر روابط آتی دو کشور.

موضوع مصونیت مستشاران نظامی و اعتبار معاهده مودت

در میان تمامی قراردادها و موافقت‌نامه‌هایی که میان ایران و آمریکا به امضا رسید، دو موافقت‌نامه از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، یکی قرارداد مصونیت مستشاران آمریکایی که اکنون دیگر فقط اهمیتی تاریخی دارد و دیگری معاهده مودت به این دلیل که هم‌اکنون نیز علیرغم تمامی مشکلات و مسائل مورد استفاده ایران است. در این بخش به این دو قرارداد نگاه کوتاهی خواهیم کرد.

توافق مربوط به وضعیت حقوقی مستشاران نظامی آمریکا در ایران

این مبحث در متن مناسبات نظامی ایران و آمریکا قابل بررسی است. مأموریت‌های مستشاری نظامی آمریکا در ارتش ایران از زمان جنگ جهانی دوم آغاز شده بود، ولی تا اوایل دهه ۱۹۶۰

وضعیت حقوقی حضور نظامیان آمریکایی در سرزمین ایران از ویژگی معاهداتی برخوردار نبود. از این رو، نظامیان آمریکایی در خدمت ارتش ایران تحت صلاحیت سرزمینی و تابع قوانین ایران بودند.

در سال ۱۹۵۸ چهار نظامی آمریکایی ناقض قوانین ایران توسط مراجع قضایی ایران محاکمه شدند. در سال ۱۹۶۰ شانزده مورد مشابه پیش آمد که همگی تحت صلاحیت قضایی ایران رسیدگی شد. در سال ۱۹۶۱ نیز هجده مورد دیگر از تخلفات آمریکائیان از سوی نظام قضایی ایران اعمال صلاحیت گردید. این وضعیت مورد پسند وزارت دفاع ایالات متحد نبود، و برای تنظیم موافقتنامه وضعیت نیروها در ایران قوه مقننه و وزارت خارجه آمریکا را تحت فشار شدید قرار داده بود.

همین موضوع در مورد حضور نیروهای نظامی آمریکا در کشورهای عضو پیمان آنلانتیک شمالی و سایر متحدان آن کشور نظیر ژاپن نیز وجود داشت. در همان زمان در مذاکرات مربوط به وضعیت حقوقی نیروهای آمریکایی در آن کشورها، وزارت دفاع و خارجه آمریکا بر کسب صلاحیت انحصاری مراجع قضایی آمریکا پافشاری داشتند. در نهایت صلاحیت همگام به عنوان حاصل مذاکرات از فوریه ۱۹۵۰ تا آوریل ۱۹۵۳ پذیرفته شد. صلاحیت همگام بمعنی صلاحیت اولیه برای دولت فرستنده (یعنی آمریکا) و صلاحیت ثانویه برای دولت پذیرنده بود. این نکته در ماده ۶ کلیه موافقتنامه‌های وضعیت نیروهای ناتو درج شده و در آن صلاحیت همگام به دو سطح اولیه و ثانویه تقسیم شده است. دولت دارای صلاحیت اولیه حق تصمیم اول برای محاکمه متهم را دارد و اگر از حق خود صرف‌نظر نماید، آنگاه دولت دارای صلاحیت ثانویه تصمیم می‌گیرد که متهم را محاکمه کند. با وجودی که این نوع صلاحیت نیز در حقیقت تفاوت چندانی با صلاحیت انحصاری نداشت، ولی وزارت دفاع و جناح‌ها و نیروهای قدرتمندی در سنا و جامعه آمریکا سال‌ها به مخالفت خود با صلاحیت همگام ادامه دادند. اشاره به ترتیبات حقوقی ناظر بر حضور نیروهای آمریکا در سرزمین متحدان غربی آن، برای درک و مقایسه آنچه با ایران حاصل آمد ضرورت دارد. با در نظر داشتن وضعیت پیش آمده در مورد ناتو، وزارت دفاع آمریکا از سال ۱۹۵۹ موضوع مشابه ترتیبات ویژه برای ماموریت‌های مستشاری آمریکا در ایران را پیش کشید.

مذاکرات غیر رسمی سفارت آمریکا در تهران و وزارت خارجه ایران در اوایل سال ۱۹۶۲ آغاز شد. با توجه به موضوع تمدید موافقتنامه‌های نظامی نوامبر ۱۹۴۳ و اکتبر ۱۹۴۷ خدمات مستشاری برای نیروهای مسلح ایران، سفارت آمریکا در یادداشت ۱۹ مارس ۱۹۶۲ ضمن اعلام موافقت دولت آمریکا با تمدید موافقتنامه‌های یاد شده، به گفت و گوهایی اشاره نمود که در مورد

مشکل وضعیت حقوقی پرسنل مستشاری در سرزمین ایران انجام شده بود. یادداشت رسماً پیشنهاد کرد که پرسنل یادشده از مزایا و مصونیت های تصریح شده برای "کارکنان اداری و فنی" در کنوانسیون حقوق دیپلماتیک ۱۹۶۱ وین برخوردار شوند، و پرسنل ارشد نظامی نیز طی موافقتنامه میان دو دولت مشمول مزایا و مصونیت های "مأموران دیپلماتیک" گردند.

وزارت خارجه ایران یکسال بعد در یادداشت پاسخ مورخ ۱۱ مارس ۱۹۶۳، میان اعضاء بلندمرتبه و بقیه کارکنان مستشاری تفاوت قائل گردید. چون گروه اول گذرنامه دیپلماتیک داشتند، ایران موافقت کرد در صورت تصویب مجلس شورای ملی به آنان وضعیت دیپلماتیک اعطاء کند تا از مزایا و مصونیت های مربوطه برخوردار گردند. یادداشت، موضوع بقیه کارکنان مستشاری را تحت مطالعه اعلام نمود.

وزارت خارجه در یادداشت دیگری در ۱۷ نوامبر ۱۹۶۳ به سفارت آمریکا اطلاع داد که پس از مطالعه تصمیم بر این شده که مزایا و مصونیت های "مأموران دیپلماتیک" شامل هیچ یک از اعضاء مأموریت های مستشاری نظامی آمریکا در ایران نگردد. در آن هنگام، کنوانسیون حقوق دیپلماتیک وین مراحل تصویب در مجلس ایران را می گذراند. یادداشت وزارت خارجه ایران در ادامه مطلب افزوده بود که، با توجه به کنوانسیون در حال تصویب، رئیس و اعضاء مأموریت های مستشاری نظامی آمریکا در ایران می توانند از مزایا، مصونیت ها و معافیت هایی که برای "کارکنان

**INCOMING
CABLEGRAM**

31
ICA
SS
NEA
HMSC
WIOC
E

FROM: TEHRAN

NO. TOICA 407, OCTOBER 13, 5 P.M.

IRC DCI
DISTRIBUTION

ACTION
INFO

REFERENCE: ICATO 404

OF US \$51 MILLION APPROVED FOR GENERATION LOCAL CURRENCY FY 60
PROGRAM NECESSAR. AMOUNT \$250,000 BE MADE AVAILABLE IN DOLLARS
FOR OFFSHORE PROCUREMENT RIOT CONTROL EQUIPMENT FOR NATIONAL
POLICE PROJECT 65-71-217. REQUEST ADVICE OF ALLOTMENT SOONEST.

JOHNSON

Hall	1/14	Reedy	1/14
Barrett		Barrett	1/14
McPherson		McPherson	1/14
Van Dusen		Van Dusen	1/14
Hubb		Hubb	1/14
Boyer		Boyer	1/14

INTERNATIONAL COOPERATION ADMINISTRATION
SECURITY CLASSIFICATION
CONFIDENTIAL

CONTROL: 8130
RECD: OCTOBER 13, 1959
12:34 P.M.

*Mr. [unclear] usually
for follow up
[unclear]*

اداری و فنی" تعیین می‌گردد، برخوردار شوند. تصریح ایران بر تمایز یادشده میان "مأموران دیپلماتیک" و "کارکنان اداری و فنی"، یعنی موضوع ماده ۳۱ و ماده ۳۷ کنوانسیون وین، به این خاطر بود که کلیه اعضای مأموریت های مستشاری برای اقدامات خارج از حوزه وظایف خود تحت صلاحیت مدنی و اداری ایران قرارداشته باشند. دولت آمریکا در یادداشت ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ به دولت ایران، مفاد یادداشت ۱۷ نوامبر ۱۹۶۳ یاد شده را پذیرفت.

وزارت خارجه ایران در ۹ دسامبر ۱۹۶۴ طی یادداشتی سفارت آمریکا را از تصویب قانون "اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیت ها و معافیت های قرارداد وین" مصوب مجلس (۲۱ مهر ۱۳۴۳) آگاه ساخت که به دولت اجازه می‌داد "رئیس و اعضاء هیئت‌های مستشاری نظامی آمریکا در ایران را که به موجب موافقتنامه‌های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می‌باشند، از مصونیت‌ها و معافیت‌های ویژه کارمندان اداری و فنی مصرح در ماده یک قرارداد وین ... برخوردار گرداند". وزارت خارجه ایران در یادداشت دیگری در همان ۹ دسامبر ۱۹۶۴، مشخص تر به بند دو ماده ۳۷ کنوانسیون وین اشاره نمود تا هیچ تردیدی نماند که ایران قصد ندارد مصونیت یاد شده را برای اعضاء هیئت های مستشاری در هر رده در برابر اقدامات خارج از حوزه وظایف آنان تسری دهد. سفارت آمریکا در یادداشت پاسخ خود، ضمن ابراز خرسندی دولت آمریکا از ترتیبات ایجاد شده، رسماً متعهد گردید تا با درخواست دولت ایران برای صرفنظر کردن از مصونیت در مواردی که به نظر دولت ایران دارای اهمیت ویژه می‌باشد، نظیر جنایت و دیگر اقدامات سزاوار محاکمه جنایی، موافقت گردد.

البته قانون یاد شده که با اکثریت ضعیفی در مجلس ۲۰۰ نفری شورای ملی به تصویب رسید (با ۶۱ رأی مخالف)، در عمل بدون استفاده ماند زیرا در آن به "استخدام" نظامیان آمریکایی توسط دولت ایران اشاره شده بود. این امر با قوانین آمریکا مغایرت داشت که اجازه اشتغال "استخدامی" نظامیان آمریکا در کشور دیگری را نمی‌داد. از این رو، اعطاء مزایا و مصونیت های قید شده در آن قانون بر مبنای همان یادداشت های متبادله در موضوع میان دو دولت به اجرا درآمد. در ماه‌های پایانی فروپاشی نظام پادشاهی، کلیه نظامیان آمریکایی در خدمت نیروهای مسلح، ایران را ترک گفتند و مناسبات نظامی میان دو کشور بطور کامل قطع گردید. چهل روز پس از اشغال سفارت آمریکا و آغاز بحران گروگان‌گیری، شورای انقلاب در ۲۳ آذر ۱۳۵۸ لایحه "قانون لغو اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیت ها و معافیت های قرارداد وین" را به تصویب رساند، و به این ترتیب یکی از جنبه‌های پرسروصدای مناسبات معاهداتی میان ایران و آمریکا به پایان رسید.

در بررسی موضوع مصوبت مستشاران نظامی آمریکا در ایران گذشته از یک موضوع کلی که عبارت بود از تصمیم کلان ایران برای بهره برداری از چتر امنیتی اردوگاه غرب و در کنار این امر تشکیل، تجهیز و آموزش یک ارتش مدرن و کار آمد که دلایل کلی اتخاذ چنین خط مشی‌ای را توضیح می‌دهد، وجه نگرشی مقایسه‌ای و تطبیقی نیز ضرورت می‌یابد.

در هر یک از کشورهای اروپایی هم پیمان آمریکا از جمله آلمان و ایتالیا، ده‌ها هزار از نفرات نیروهای مسلح آمریکا در واحدهای کامل نظامی و در پایگاههای متعدد و مجهز و با ماموریت‌های گوناگون عملیاتی، لجستیکی و آموزشی و غیره مستقر بودند. همین وضعیت در مورد ترکیه و در آسیا از جمله ژاپن، کره، و فیلیپین وجود داشت.

روشن است در برابر چنین حجم عظیمی از حضور نظامی آمریکا، پیش‌بینی بروز مسایل و مشکلات فراوان در رابطه با زندگی اجتماعی و قوانین مدنی و جنایی در هر یک از کشورهای پذیرنده دشوار نیست. به عنوان یادآوری می‌توان به حادثه برخورد هواپیمای جنگی آمریکا در فضای خارج از منطقه عملیاتی آن به تله کابین تفریحی در ایتالیا در سال ۱۹۹۸ که به کشته شدن بیش از ۳۰ انسان انجامید، و یا رفتارهای خلاف اخلاق و قانون برخی از نظامیان آمریکایی در ژاپن در چند سال اخیر اشاره داشت.

با این وجود، در موافقتنامه‌های ناظر بر وضعیت نیروهای آمریکا در هریک از سرزمینهای متحدان آن، که پیشتر به آنها اشاره شده، نوعی صلاحیت همگام با برتری و الویت صلاحیت دولت فرستنده پیش‌بینی شده بود که تفاوت چندانی با صلاحیت انحصاری نداشت.

افزون بر این‌ها، صلاحیت یاد شده در حالی اعمال می‌گردید که طرفین از یک حوزه تمدنی و دارای اشتراکات بسیاری در نظامهای حقوقی و قضایی بودند. البته با ترکیه مشکلاتی داشتند.

در حالی که حضور نظامیان آمریکایی در ایران به درخواست دولت ایران بود، و گروه‌هایی از مستشاران نظامی را در بر می‌گرفت که صرفاً برای خدمات مستشاری نظامی در آموزش نفرات و تجهیزات به ایران اعزام می‌شدند. از این رو، درخواست شرایط بهتری برای وضعیت حقوقی آن نظامیان در سرزمین ایران منطقی تر می‌نمود، به ویژه اینکه از نگاه آمریکا، ایران و نظام حقوقی و قضایی آن در حوزه تمدنی متفاوتی قرار می‌گرفت. با این وجود، وضعیت حقوقی نیروهای مستشاری نظامی آمریکا در ایران تحت کنوانسیون حقوق دیپلماتیک نه تنها شرایط برتری نسبت به موافقتنامه‌های وضعیت نیروها در اروپا و سایر جاها برای آمریکاییان ایجاد نمی‌نمود، بلکه شاید بتوان ادعا کرد در مواردی صلاحیت دولت پذیرنده یعنی ایران بیش از صلاحیت پیش‌بینی شده برای

متحدان غربی آمریکا بود. دست کم از نقطه نظر حقوقی و آکادمیک می‌توان چنین ادعایی را مورد توجه قرار داد.

این یادآوری نیز می‌تواند روشنگر باشد که در قراردادهای اعزام نیرو در چهارجسوبی جمله نفت حفظ صلح ملل متحد، که میان دبیرکل متحد و دولت یا دولت‌های پذیرنده موضوع قرار داد منعقد می‌گردد، صلاحیت قضایی دولت فرستنده بر افراد نیروهای مسلح خود که تحت پرچم ملل متحد قرار گرفته و در سرزمین دولت پذیرنده مستقر می‌گردند، پیش‌بینی می‌شود.

موضوع اعتبار عهدنامه مودت ایران و آمریکا

در ارتباط با برداشت و تصمیم کلان و ضرورت اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی که ایران در این سال‌ها بر پیگیری آنها مصمم گردید، به ویژه از نیمه دهه ۱۹۵۰ به تشویق و جذب هر چه بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی در کشور روی آورد. در سال ۱۹۵۵ (آذر ۱۳۳۴) "قانون مربوط به جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی" به تصویب رسید. از جمله دیگر ابزار حقوقی برای دست یابی به هدف یاد شده انعقاد عهد نامه‌های دو جانبه بود که با چندین کشور و از جمله مهم‌ترین آنها با آمریکا منعقد گردید.

در ۱۵ اوت ۱۹۵۵ (۲۳ مرداد ۱۳۳۴)، "عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین دول متحده آمریکا و ایران" برای پیشبرد مناسبات دوستانه، بازرگانی و بکار انداختن سرمایه‌ها و تشویق روابط نزدیک تر اقتصادی بین مردم دو کشور و بین طرفین، در تهران به امضاء رسید و از ژوئن ۱۹۵۷ (خرداد ۱۳۳۶) به مرحله اجراء درآمد.

با تحکیم زمینه‌های حقوقی، روابط اقتصادی و تجاری با اتباع و شرکت‌های آمریکایی رو به گسترش نهاد و قرار دادهای کلان و به تعداد بسیار زیاد در زمینه‌های گوناگون بازرگانی و سرمایه‌گذاری در ابعاد وسیع منعقد گردید. دستگاه‌های دولتی ایران طرف عمده این قراردادها بودند. با دگرگونی‌های سیاسی ایران در سال ۱۹۷۹، روند یاد شده متوقف و سپس بطور کامل قطع گردید.

روابط سیاسی دو دولت نیز با پذیرش شاه در آمریکا و اشغال سفارت این کشور در ایران، رو به تیرگی و خصومت نهاد تا در ۷ آوریل ۱۹۸۰ به قطع کامل روابط دیپلماتیک انجامید. با این وجود و در چنین شرایطی، معاهده مدت که در ماده اول آن مقرر شده "بین دول متحده آمریکا و ایران صلح استوار و پایدار و دوستی صمیمانه بر قرار خواهد بود"، هیچ گاه از سوی طرفین فسخ و خاتمه یافته تلقی و اعلام نگردید. در حالیکه طبق ماده ۲۳ آن، مدت اعتبار عهدنامه ده سال بود و پس از

آن نیز هر یک از طرفین می‌توانست در هر زمان یک اخطار کتبی آن را خاتمه دهد و قسح نمود، که هیچکدام چنین نکردند.

این حالت جدا از اینکه در شرایط خاص روابط دو کشور، در مسافرتی می‌تواند منتهی به سردی نمی‌توانست اهمیت چندانی داشته باشد. ولی اعتبار عهدنامه‌ای که می‌بایست برای مودت و دوستی صمیمانه و گسترش روابط نزدیک‌تر اقتصادی میان دو کشور باشد و چنین نیز بود، از سال ۱۹۸۰ به این سو در شرایط دشمنی و اختلاف و درگیری به کار گرفته شد. باید یادآور شد که ماهیت روابط به خودی خود نمی‌تواند تأثیری بر اعتبار معاهدات داشته باشد، و فسخ معاهدات دوجانبه و چندجانبه تابع مقررات خاصی است. از سوی دیگر، کاربرد ترتیبات مربوط به حل و فصل اختلاف مندرج در این معاهده در زمانی نمایان می‌شود که روابط دوستانه تبدیل به روابط غیردوستانه شده و مشکلاتی در روابط طرفین ایجاد شده است.

عهدنامه مودت، در طرح دعوای آمریکا علیه ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گروگان‌گیری، در طرح دعوای خواهان‌های آمریکایی علیه ایران در دیوان داوری دعوای ایران - ایالات متحده، در طرح دعوای ایران علیه ایالات متحده در دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه انهدام سکوه‌های نفتی ایران در خلیج فارس، و همچنین در لایحه دولت ایران علیه آمریکا در قضیه سرنگونی هواپیمای ایرباس در دیوان بین‌المللی دادگستری در مواد گوناگون آن مورد استناد



قرار گرفته است. به هر یک اشاره کوتاهی می‌شود.

در پی آغاز بحران گروگان‌گیری در ۴ نوامبر ۱۹۷۹، دولت آمریکا در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ علیه ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه دعوی نمود. آمریکا در دادخواست خود، ضمن اشاره به موارد نقض تعهدات بین‌المللی از سوی دولت ایران بر مبنای اسناد بین‌المللی گوناگون جاری میان دو دولت، از جمله به معاهده مودت در مواد ۱۸، ۱۳، ۲ و ۱۹ آن استناد نمود و خواستار محکومیت ایران از سوی دیوان گردید. مواد یاد شده ناظر بر حمایت و امنیت و رفتار عادلانه با اتباع، و حقوق و مزایای صاحب منصبان کنسولی طرفین در سرزمین یکدیگر است.

در همین جا باید یاد آور شد که دولت ایران در هیچ یک از مراحل رسیدگی حضور نیافت، و تنها به ارسال دو نامه یکی در ۹ دسامبر ۱۹۷۹ به شکل تلگرام و دیگری در ۱۶ مارس ۱۹۸۰ به شکل تلکس برای دیوان اکتفا نمود، و در آنها به طرح مسایل سیاسی مبنی بر مداخله‌ها و جنایت‌ها و جاسوسی آمریکا در ایران پرداخت و اشغال سفارت و گروگان‌گیری را امری حاشیه‌ای دانست، که از سوی دیوان بطور کلی بی‌ارتباط با موضوع و فاقد وجاهت قانونی و ناوارد دانسته شد.

دیوان در مرحله رسیدگی به صلاحیت خود، از جمله به بند ۲ ماده ۲۱ عهد نامه مودت مورد استناد آمریکا پرداخت، که ناظر است بر ارجاع هر اختلافی میان طرفین در تفسیر یا اجرای عهد نامه که اگر از راه‌های دیگر فیصله نپذیرد، به دیوان بین‌المللی دادگستری احاله گردد. دیوان نیز با استناد به همان ماده از عهدنامه در کنار سایر مستندات احراز صلاحیت نمود. در رسیدگی ماهوی نیز ایران بطور کلی وبه اتفاق آراء محکوم شناخته شد. در بخشی از رای محکومیت ایران، مورخ ۲۴ مه ۱۹۸۰ در مورد عهد نامه چنین آمده است:

“... از سوی ایران هیچ اشاره‌ای نشده که در ۴ نوامبر ۱۹۷۹ ... و یا در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ ... عهدنامه ۱۹۵۵ معتبر و دارای قدرت قانونی نبوده است. هدف معاهده مودت و در حقیقت هر عهدنامه تأسیسی پیشبرد روابط دوستانه میان کشورهای مربوطه و میان اتباع آنها به‌ویژه از طریق تقبل تضمین حمایت و امنیت اتباع هر یک در سرزمین طرف دیگر است. دقیقاً هنگامی که مشکلاتی پدید می‌آید عهدنامه‌ها بیشترین اهمیت را به خود می‌گیرند... اگرچه اکنون با قطع روابط دیپلماتیک میان دو کشور از سوی آمریکا، ساز و کار عملکرد کارآمد عهد نامه ۱۹۵۵ بدون تردید آسیب دیده، ولی اصول آن همچنان بخشی از مجموعه قوانین قابل اعمال میان ایران و آمریکا بشمار می‌آیند.”

در دیوان داوری دعاوی ایران-ایالت متحده نیز معاهده مودت ۱۹۵۵، “به‌عنوان قانون خاص” در اختلافات طرفین مطرح گردید. ماده ۴ عهدنامه مودت که ناظر بر حمایت از اموال و سرمایه‌های

طرفین در سرزمین دیگر، و نیز پرداخت غرامت عادلانه در اسرع وقت و به نحو مؤثر در صورت سلب مالکیت می‌باشد، بیش از دیگر بخش‌های عهدنامه مورد استناد خواهان‌های آمریکایی علیه ایران در دیوان دآوری قرار گرفت. حتی در مواردی نیز مشروح مذاکرات مربوط به انعقاد عهدنامه مودت در مدارک طرف‌های آمریکایی به دیوان عرضه شد.

در رأی مربوط پرونده الف/۱۸ مورخ آوریل ۱۹۸۴ دیوان دآوری برای تفسیر مربوط به صلاحیت دیوان در رسیدگی به دعاوی از سوی افراد دارای تابعیت دو گانه (تابعیت مضاعف) ایران و آمریکا، نیز طرفین ایران و آمریکا به ماده ۱۷ عهد نامه مودت استناد داشتند که صراحتاً اتباع دوگانه که تبعه هر دو کشور باشند را از بهره‌مندی از مزایای عهدنامه مستثنی می‌کند. با این حال دیوان مقرر داشت که صلاحیت رسیدگی به دعاوی علیه ایران از سوی اتباع دو گانه ایران - آمریکا را دارد.

معاهده مودت یکبار دیگر نیز اعتبار خود را در روابط ایران و آمریکا نشان داد. نیروی دریایی آمریکا در در خلیج فارس در ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷ و یکبار دیگر در ۱۸ آوریل ۱۹۸۸، اقدام به حمله و انهدام چهار مجتمع تولید نفت برون ساحلی شرکت ملی نفت ایران در خلیج فارس به نام‌های رسالت، رشادت، نصر و سلمان نمود.

دولت ایران در ۲ نوامبر ۱۹۹۲ (۱۱ آبان ۱۳۷۱) دادخواستی در این مورد، یعنی قضیه سکوه‌های نفتی علیه ایالات متحده تسلیم دیوان بین‌المللی دادگستری نمود. ایران اقدام یاد شده آمریکا را ناقض اصول گوناگون معاهده مودت دانست. ایران در موضوع صلاحیت دیوان در رسیدگی به قضیه، ایران و آمریکا را طرفین معاهده مؤدت دانسته و اعلام نمود که چون منازعه از راه مذاکره فیصله نیافته، از این رو، طبق بند ۲ ماده ۲۱ عهدنامه مودت، دیوان از صلاحیت در رسیدگی به قضیه برخوردار است.

در همین رابطه گفتنی است که رئیس دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران دوبار، یکی در ۷ ژوئیه ۱۹۹۲ و بار دیگر در ۱۵ اکتبر ۱۹۹۲ در گفت و گو با مشاور حقوقی وزارت امور خارجه آمریکا تمایل و آمادگی رسمی دولت ایران را برای مذاکره با دولت آمریکا در موضوع انهدام سکوه‌های نفتی ایران اعلام نمود، که در هر دوبار دولت آمریکا هرگونه امکان مذاکره با ایران را مردود دانست.

آمریکا در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۳ با استناد به معاهده مودت و ارایه ایراد مقدماتی، دیوان را فاقد صلاحیت در قضیه دانست. دیوان نیز با استناد به همان معاهده ایراد آمریکا را وارد ندانست و در حکم ۱۲ دسامبر ۱۹۹۶ خود را صالح برای در رسیدگی به شکایت ایران دانست.

آمریکا در ۲۳ ژوئن ۱۹۹۷ با ارایه لایحه تقابل (دادخواست متقابل) از دیوان خواست تا رسیدگی و اعلام نماید که ایران "با حمله به کشتی‌ها، مین‌گذاری در خلیج فارس و به گونه‌ای دیگر درگیر شدن در اقدامات نظامی در سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۸۷ که برای بازرگانی دریایی خطرناک و زیان آور بوده، تعهدات خود را نسبت به ایالات متحده" بر اساس ماده ده معاهده مودت نقض کرده و از این رو متعهد به جبران خسارت کامل آمریکا است.

پیش‌تر دولت ایران در دادخواست نوامبر ۱۹۹۲ خود، دولت آمریکا را به لحاظ کمک به دولت عراق در جنگ علیه ایران، اتخاذ موضع تهدید آمیز و تحریک کننده علیه ایران از طریق استقرار نیروهای دریایی و هوایی خود در نزدیکی سواحل ایران، و حمله و تخریب اموال و تأسیسات نفتی ایران در خلیج فارس، ناقض ماده یک معاهده مودت، و به لحاظ مداخله شدید در بازرگانی و دریانوردی ایران ناقض ماده ۱۰ آن معاهده، و بطور کلی ناقض روح و هدف معاهده مودت دانسته بود.

در ارتباط با دادخواست متقابل آمریکا، ایران در ۲ اکتبر ۱۹۹۷ خواستار رد آن از سوی دیوان شد. دیوان در حکم ۱۰ مارس ۱۹۹۸ خود اعلام نمود که دعوی متقابل آمریکا مستقیماً به موضوع دعاوی ایران ارتباط دارد، و دعاوی هر دو طرف بر حقایق مشابهی استوار است که بخشی از یک کل پیچیده را بوجود می‌آورند، و تا آنجا که به آزادیهای تضمین شده در ماده ۱۰ عهدنامه مسودت برای تجارت و دریانوردی باز می‌گردد، دادخواست تقابل آمریکا قابل پذیرش و رسیدگی تحت صلاحیت دیوان است.

دولت ایران در ۹ مارس ۱۹۹۹ به دادخواست تقابل آمریکا پاسخ داد، و مهلت دولت آمریکا برای پاسخ مجدد (باز دفاع) نیز تا ۲۳ مه ۲۰۰۰ تمدید گردید.

این مهلت نیز بار دیگر به درخواست دولت آمریکا تمدید شده است. به این ترتیب، به نظر می‌رسد قضیه سکوه‌های نفتی که تا مرحله رسیدگی به صلاحیت در جهت خواسته‌های ایران بود، با ارائه دادخواست متقابل از سوی آمریکا و پذیرش آن برای رسیدگی از سوی دیوان، به نوعی تعادل در دعاوی طرفین رسیده باشد و چندان هم روشن نیست که در آینده خواسته‌های ایران را برآورده سازد.

استناد به معاهده مؤدت در اختلاف دیگری نیز در روابط ایران و آمریکا مطرح گردید، که البته اکنون فیصله یافته تلقی می‌شود.

در ۳ ژوئیه ۱۹۸۸، وینسنس ناو نیروی دریایی از واحد نیروی خاور میانه / خلیج فارس آمریکا، در آبهای سرزمینی ایران در خلیج فارس، با پرتاب دو موشک هدایت شونده زمین به هوا

اقدام به سرنگونی و انهدام پرواز ۶۵۵ هواپیمای ایرباس ایرانی خطوط هوایی ایران در جریان پرواز تجاری بین‌المللی برنامه ای بر فراز آب‌های سرزمینی ایران نمود که طی آن تمامی ۲۹۰ نفر سرنشین و خدمه هواپیما کشته شدند.

شکایت دولت ایران به مرجع صلاحیت دار در موضوع، یعنی شورای ایکائو (سازمان بین‌المللی هوانوردی کشوری) بی‌نتیجه بود. شورای ایکائو در تصمیم ۱۷ مارس ۱۹۸۹ خود، تنها به ابراز تاسف و تسلیت حاد و نیز بدون نام بردن از آمریکا به یادآوری کلی خط مشی خود مبنی بر محکوم سازی توسل به سلاح علیه هر هواپیمای غیر نظامی در حال پرواز بسنده نمود.

دولت ایران در ۱۷ مه ۱۹۸۹ دادخواستی در قضیه علیه آمریکا تسلیم دیوان بین‌المللی داد کستری نمود. دولت ایران در متن دادخواست یاد شده به معاهده مؤدت اشاره نکرده بود، ولی بعداً در متن لایحه خود نقض معاهده مؤدت توسط آمریکا را نیز در کنار سایر مستندات خود قرار داد. اعتراض دولت آمریکا به دوگانگی در متن دادخواست و لایحه دولت ایران ناوارد دانسته شد. با وجودی که استحکام دعوای ایران علیه آمریکا در این قضیه بیشتر از قضیه سکوه‌های نفتی می‌نمود، پیش از آنکه دیوان مراحل مختلف رسیدگی به صلاحیت را بگذراند، طرفین در خارج از دیوان توافق کردند که قضیه تنها با پرداخت غرامت به باز ماندگان قربانیان حادثه و همچنین قیمت هواپیمای سرنگون شده خاتمه یافته تلقی شود. بدون اینکه هیچ مسئولیتی متوجه دولت آمریکا باشد، و یا اینکه هیچ حقی برای دولت ایران در طرح ادعایی علیه آمریکا در این قضیه باقی بماند.

پایان سخن

در این گفتار تلاش بر این بود تا برخی جنبه‌های حقوقی روابط ایران و ایالات متحده به گونه‌ای فشرده و گزینشی مورد بازبینی قرار گیرد. البته نگارنده مدعی نیست که همه‌جا صرفاً به جنبه‌های حقوقی اکتفا کرده و یا این که حق مطلب را ادا نموده است.

موضوع روابط ایران و آمریکا به اندازه کافی از حساسیت برخوردار است که حتی مسابقه‌های ورزشی میان آنها نیز ویژگی سیاسی به خود گیرد، چه رسد به گفتاری که در آن موضوع‌های دقیق حقوقی مربوط به آن روابط مطرح می‌گردد.

روی سخن این گفتار با افراد و جریان‌هایی است که به دور از منافع سیاسی و مصالح شخصی و گروهی در اندیشه چگونگی بازسازی روابط خارجی ایران بر مبنای منافع ملی هستند. روابط ایران و آمریکا نیز به مانند روابط ایران با بریتانیا، فرانسه، آلمان و یا عربستان سعودی و مصر که همگی

پیوندهای عمیقی با آمریکا دارند و از متحدان استراتژیک آن هستند، قابل بازسازی است. نگاه حقوقی به روابط یادشده می‌تواند یاری‌رسان کسانی باشد که در این راه می‌کوشند.

در این راستا، آمریکا به درستی و با پذیرش ناروا و توجیه‌ناپذیر بودن برخی مداخله‌ها و تأثیرگذاری‌های خود در روند مسایل سیاسی داخلی ایران در سال‌های دور و نیز در جنگ ایران و عراق، گامی در راه بازسازی روابط خود با ایران برداشته است. در عین حال اقدامات واکنشی آمریکا در برقراری تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، و آسیب‌رسانی‌هایی نظیر حمله به تأسیسات نفتی ایران و یا جنایت فاجعه‌بار سرنگون‌سازی هواپیمای مسافربری ایران، و یا ایجاد مانع و جلوگیری از برقراری و حفظ و گسترش منافع و علایق مشروع و قانونی ایران در دو منطقه ژئوپلیتیک دریای خزر و خلیج فارس، و یا تکرار اتهامات در مورد تسلیحات هسته‌ای و یا کارشکنی این کشور در روند صلح عرب-اسرائیلی، هیچ یک در تناسب با اقدامات و فعالیت‌هایی نیست که ادعا می‌شود از سوی جمهوری اسلامی علیه ایالات متحده عمل آمده است. به ویژه اینکه، واشنگتن خود بهتر می‌داند که اقدامات و فعالیت‌های یاد شده بیشتر جنبه نمادین و شعارگونه داشته و برای برخی مصارف خاص سیاسی مطرح می‌گردند، درحالی که واکنش‌های آمریکا متناسب نبوده و توان و منافع ملی درازمدت ایران را نشانه گرفته است. ایالات متحده اگر به حقیقت خواهان بازسازی روابط با ایران باشد لاجرم باید منافع و مصالح یک ملت را از رویارویی با نظام سیاسی تفکیک نماید.

عین حال مسلم است که ما باید بتوانیم فارغ از ادعاهای آمریکا نخست به تعریف و تعیین دقیق و بی‌چینه منافع ملی پرداخته و اولویت و برتری تام و تمام آن را روشن کنیم. سپس به دور از شیفتگی ساده‌اندیشانه و با هراس خودکم‌بینانه در برابر آمریکاییان، و در نهایت شفافیت و منطبق بر اصول و قواعد رایج بین‌المللی مسایل و روابط دوجانبه را مورد بحث و گفت‌وگو قرار دهیم. بازسازی مناسب روابط یاد شده بر اساس منافع ملی ایران گام مهمی در جهت بازبازی جایگاه و موقعیت ایران در جامعه بین‌المللی بشمار می‌آید.

کمیته ۱۳۴

منابع

- ۱) برای تحلیلی سیاسی از چند و چون اسناد بیانیه الجزایر و بی‌آمدهای آنها، تا انتشار اسناد دیگر می‌توان به دو سند، یکی گزارش نخست وزیر وقت به مجلس شورای اسلامی در دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۵۹، و دیگری مقاله‌ای از وزیر مشاور در امور اجرایی کابینه وقت و مقام ایرانی مذاکره کننده اسناد بیانیه الجزایر در شماره ۳ پاییز ۱۳۷۰ مجله سیاست خارجی از دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه مراجعه نمود.
- ۲) دفتر امور حقوقی. فهرست معاهدات معتبر ایران با سایر دول، در اول فروردین ۱۳۵۸، وزارت امور خارجه

۳) مجله حقوقی. دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ج ۱۱.

۴) مجموعه قوانین کشور سال ۱۳۴۳ و ۱۳۵۸.

۵) آبراهام یسلسون. روابط سیاسی ایران و آمریکا. ترجمه محمدباقر آرام. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸.

۶) جمشید صداقت‌کیش. روابط ایران و آمریکا در دهه ۱۹۵۰. تهران: دهخدا، ۱۳۵۷.

7) R.K.Ramazani. Iran's Foreign Policy, 1941-1973. Charlottesville: Virginia University Press, 1975.

8) Richard Pfau, "The Legal Status of American Forces in Iran," *The Middle East Journal*, 28 No.2 (1974).

9) George Stambuk. **American Military Forces Abroad: Their Impact on the Western State System.** Ohio: Ohio State University Press, 1963.

10) D.J.Harris (ed.). **Cases and materials on International law.** London: Sweet & Maxwell, 1998.

11) Tristae nage. **La Diplomatie Iranienne 1925-1978.** XXV Volumes. Tome Vingt-Cinquieme. Avril 1987.

12) International Court of Justice. Judgement. Case Concerning United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (USA v. Iran). 24 May 1980, General List, No.64.

13) International Court of Justice. Application, Instituting Proceedings. Aerial Incident of 3 July 1988 (Islamic Republic of Iran v. USA). 1989, General List, No. 90.

14) International Court of Justice. Communiqué, Unofficial for Immediate release: case Concerning oil Platforms:

15) No. 96/33, 12 Dec. 1996.

16) No. 98/10, 19 March 1998.

17) No. 98/19, 26 May. 1998.

18) American foreign policy Current Documents, 1990. Department of State, Washington, 1991.

19) US Department of State. United States Treaties and Other international Agreements. TIAS, 1954-1958-1959-1960-1961-1962-1963-1964-1968.

کتابخانه ۱۲۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

